

معرفی و تحلیل نسخه خطی مطلع السعدین، اثر بلاغی مل سیالکوتی وارسته و بررسی ویژگی‌های برجسته آن در بلاغت فارسی

شهلا محمودیان* / کبری نودهی**

چکیده

نسخه‌های خطی، میراث ارزشمند پیشینیان است که با تصحیح درست و علمی آن می‌توان به متن نزدیک به اصل یک اثر دست یافت و از متون مؤلفان گذشته بهره جست. نسخه خطی مطلع السعدین، اثری است در موضوع بلاغت از سیالکوتی مل وارسته شاعر و نویسنده قرن دوازدهم هجری در شبه قاره هند که با تصحیح منقح آن می‌توان غبار از چهره یکی از آثار بلاغی این دوره زدود و به علاقه‌مندان و پژوهشگران این عرصه، ارائه کرد. از ویژگی‌های این اثر، می‌توان به نظر انتقادی نویسنده، عدم تقلید و تکرار نکردن مطالب کتاب‌های بلاغت پیشین اشاره کرد. همچنین نویسنده این کتاب، توجهی ویژه به اشعار دوره خود، یعنی شعر سبک هندی نشان داده، چنان‌که بیشتر شواهد مثال را از اشعار شاعران قرن‌های یازدهم و دوازدهم هجری برگزیده است. مطالعه این اثر می‌تواند ما را با وضعیت و کیفیت دانش بلاغت در شبه قاره هند آشنا سازد. در این مقاله، به معرفی نسخه خطی مطلع السعدین پرداخته شده است. روش این پژوهش، مطالعه، یادداشت‌برداری و گردآوری اطلاعات از منابع معتبر کتابخانه‌ای و هدف از آن، معرفی یکی از کتاب‌های بلاغی ارزشمند شبه قاره در قرن دوازدهم هجری است.

کلیدواژه: نسخه خطی، مطلع السعدین، سیالکوتی مل وارسته، بلاغت، شبه قاره.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران
** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران (نویسنده مسئول)
koobranodehi@gmail.com

۱. مقدمه

نسخه‌های خطی، از ذخایر گران‌بها و حاوی معارف بزرگان در موضوعات مختلفی مانند ادبیات، تاریخ، فلسفه، عرفان، فقه، اصول و... است. استفاده درست از این نسخ ارزشمند، نیازمند تصحیح متن آنهاست که باید با توجه به اصول و شرایطی که بر تصحیح متون حاکم است، صورت گیرد. «غرض دانش و فن تصحیح متون، به دست دادن متنی هرچه نزدیک‌تر به متن اصلی است که از زیر قلم نویسنده‌ای خارج شده و یا از بیان شاعر یا گوینده‌ای تراوش یافته و امروزه مورد پژوهش ماست» (جهانبخش، ۱۳۷۸: ۱۳). در این امر خطیر، دقت و رعایت امانت، از برجسته‌ترین مهارت‌هایی است که می‌توان به وسیله آن، دستاوردهای نویسندگان آنها را آن‌گونه که باید و شاید در اختیار آیندگان قرار داد تا علاقه‌مندان از وجود این کتاب‌های ارزشمند و گران‌بها بهره‌مند شوند. البته «بر کسی پوشیده نیست که ترقی و تعالی یک جامعه، آن‌گاه مقدور می‌گردد که از پیشینه تاریخ تمدنش آگاه باشد و آنچه را از اسلاف برجای مانده است، با بینش علمی و انتقادی و به دور از هرگونه حب و بغض مذموم، در اختیار گیرد» (مایل هروی، ۱۳۸۰: ۳۷۹). احیای این گنجینه‌ها و آثار مکتوب برجای مانده از بزرگان و دانشوران گذشته، یکی از راه‌های آگاهی از پیشینه تاریخ تمدن هر جامعه است. بر این اساس، توجه به احیا و تصحیح متون ادب فارسی می‌تواند نمایانگر هویت و حیثیت ایرانی و فارسی‌زبانان باشد. در این پژوهش، ضمن معرفی سیالکوتی مل وارسته و آثار وی، به معرفی مطلع السعدین می‌پردازیم.

با انجام این پژوهش، به پاسخ پرسش‌های زیر دست خواهیم یافت:

۱. سیالکوتی در این اثر به چه مباحثی پرداخته است؟

۲. ویژگی‌ها و امتیازات این اثر چیست و نویسنده تا چه میزان در تألیف آن

نوآوری داشته است؟

شناخت ادبیات فارسی در حوزه شبه قاره، نیازمند مطالعات فراوان بوده، یکی از راه‌های رسیدن به این شناخت، احیای متون فارسی کهن در این حوزه و فراهم آوردن

متنی ویراسته است. مطلع السعدین، یکی از آثار ارزشمند ادبی و کهن در شبه قاره به شمار می‌رود. مؤلف در این اثر، به‌طور مفصل به بحث بلاغت پرداخته و با نقل نظر بلاغیون پیشین، نقد منطقی آن‌ها و ارائه نظری صائب، به جمع‌بندی‌ای مطلوب رسیده است. نگاه انتقادی سیالکوتی، مثال‌های غیر تکراری و ایجاد زمینه آگاهی خواننده از شیوه نثر و جریان ادبی آن عصر، از امتیازات این اثر و دلیل پرداختن به این پژوهش است. این مقاله می‌تواند در معرفی و شناخت یکی از متون مطرح در زمینه علوم ادبی در شبه قاره، سودمند بوده، منبعی تازه برای پژوهش‌های دیگر در حوزه علوم بلاغی فارسی، فراهم آورد.

۱-۱. پیشینه پژوهش

مطلع السعدین، تنها یک بار به‌صورت چاپ سنگی در سال ۱۲۹۶ ق در کانپور هند منتشر شده است. درباره این اثر وارسته، کتاب یا مقاله‌ای به‌طور مستقل به چاپ نرسیده و مقاله حاضر، کوششی است جهت معرفی این اثر برای نخستین بار، اما به سیالکوتی، نمونه اشعار و معرفی مجموعه آثارش، در کتاب‌ها و مقالات مختلف به‌اختصار اشاره شده است؛ از جمله در کتاب‌های ادبیات فارسی در میان هندوان، تألیف سید عبدالله (۱۳۷۱)، مصطلحات الشعراء، تصحیح سیروس شمیسا (۱۳۸۰)، جواب شافی، تصحیح سیروس شمیسا (۱۳۸۳)، دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره (۱۳۸۰)، تذکره گل رعنا، تألیف شفیق اورنگ آبادی (۱۸۲ق)، تذکره صبح گلشن، تألیف سید علی حسن خان بهوپالی (۱۲۹۵ق)، سفینه هندی، تألیف بهگوان داس (۱۹۵۸م)، فرهنگ‌نامه زبان و ادبیات فارسی در شبه قاره هند، تألیف کمال حاج سیدجوادی (۱۳۹۱) و همچنین در مقالات «بیاض وارسته، نقد و بررسی»، نوشته انجم طاهره (۲۰۱۳م)، «سیر نقد شعر فارسی در شبه قاره»، نوشته نجم الرشید (۱۳۸۲)، «تعامل ادبیات فارسی با فرهنگ هندوان»، نوشته خان محمد عامر (۱۳۸۳) و «سراپانامه‌ای منشور از سیالکوتی»، نوشته عباس سعیدی و یدالله شکری (۱۳۹۵). همچنین عباس مسائلی (۱۳۹۶) در پایان‌نامه

کارشناسی ارشد خود با عنوان «شرح و تعلیقات مطلع السعدین» با توجه به نسخه چاپ سنگی این اثر، تعلیقاتی بر آن نگاشته است.

۲. معرفی مؤلف

۲-۱. زندگی نامه

سیالکوتی مل وارسته، از شاعران و نویسندگان فارسی گوی شبه قاره در قرن دوازدهم هجری است. علی رغم جست و جوی فراوان و پژوهش های به عمل آمده، درباره ولادت، خانواده، تحصیلات و احوال سیالکوتی، اطلاعات چندانی در دست نیست؛ اما برخی منابع، از جمله تذکره صبح گلشن، تذکره گل رعنا، سفینه هندی و ادبیات فارسی در میان هندوان، به طور مختصر به وارسته و آثارش اشاره کرده اند. او از پیروان آیین هندو بوده است. در میان هندوان، اسامی ای چون سیالکوتی مل، پشاوری مل، امر تیسری مل و غیره معمول است. وی اهل سیالکوت، شهری در پنجاب بود و در لاهور زندگی می کرد. با شاعران مشهوری چون واقف، حاکم و حزین لاهیجی دوستی داشت. سیالکوتی، مردی وارسته بود. او از بهترین محققان عصر خویش بود و استعداد و نیروی انتقادی عجیبی در خود داشت (سید عبدالله، ۱۳۷۱: ۱۴۳ و ۲۱۱). سیالکوتی به گفته خود در دیباچه مطلع السعدین، تمام مدت عمرش را در تتبع دواوین فصحا و منثورات بلغا به سر برده است (وارسته، ۱۳۷۱: ۲). وی در پایان زندگی، به دیر غازی خان واقع در ایالت مرزی پاکستان کوچید و در سال ۱۱۸۰ یا ۱۱۸۱ ق در آنجا درگذشت. شفیق اورنگ آبادی درباره او می نویسد: «از ابتدای سن شعور، ذوق سخن به هم رساند و در نظم و نثر، رتبه شایسته پیدا کرد و رسایل مفیده نوشت... مرد قصیر القامه بود و زبان گزنده داشت و اکثر معاصران خود را هجو کرد» (اورنگ آبادی، ۱۶۹-۱۷۱). به نوشته بهگوان داس، وارسته «در نظم و نثر ماهر بود، به عروض و قافیه و اصطلاحات و لغت باخبر، چنانچه در این فن، تألیفی دارد» (بهگوان داس، ۱۹۵۸: ۲۳۶).

در تذکره صبح گلشن، درباره وارسته چنین آمده است: «وارسته لاهوری سیالکوتی مل نام داشت و برای تحقیق اصطلاحات فارسی، به سرزمین ایران قدم گذاشت و سی سال در آنجا بود و کتاب *مصطلحات الشعرا و صفات کائنات* را به کمال تنقیح و تهذیب تألیف نمود و با شیخ محمدعلی حزین لاهیجی، محبتی داشت؛ بنابراین *رحم الشیاطین* در جواب *تنبيه العافلین* خان آرزو نگاشت» (بهوپالی، ۱۲۹۵: ۵۸۰). سیروس شمیسا درباره حضور سی ساله وارسته در ایران نظری دیگر دارد: «اکثر کسانی که به زندگی وارسته اشاره کرده‌اند، نوشته‌اند که او برای مدت سی سال در ایران اقامت داشته است؛ اما در این زمینه هیچ سندی ارائه نداده‌اند. منشأ این اشتباه، مقدمه *مصطلحات الشعرا* است. وارسته نه تنها سی سال در ایران نبوده، بلکه هرگز سفری هم به ایران نداشته است و در این مورد قرائن و اشارات متعددی است» (شمیسا، ۱۳۸۰: ۳۲). در تذکره‌های معروف آن دوره، هیچ نام و نشانی از وارسته ذکر نشده است. علت مشهور نبودن سیالکوتی در میان شاعران و نویسندگان شبه قاره، آن است که او به دهلی و لکهنو که از مهم‌ترین مراکز علمی شبه قاره بودند، کمتر رفت و آمد داشته است (انوشه، ۱۳۸۰: ۲۶۳۸).

۲-۲. آثار

آثار ادبی سیالکوتی مل وارسته می‌تواند بیانگر این امر باشد که او در حوزه علوم ادبی، صاحب نظر بوده و نگاه انتقادی در این زمینه داشته است. مروری بر این آثار نیز می‌تواند یاریگر شناختی بهتر از شخصیت ادبی وی باشد.

- **مطلع السعدین**: رساله‌ای در حوزه بلاغت است. وارسته در این کتاب، به معرفی انواع ادبی و تعریف و توضیح صناعات ادبی پرداخته است. بنا بر نوشته مؤلف در مقدمه کتاب، این اثر «رساله‌ای است در بیان ماهیت نظم و نثر و تفصیل اموری چند که لازم حال منشی و شاعراست، همراه با بعضی از قوانین و قواعد این دو فن» (وارسته، ۱۲۷۱: ۲). سیالکوتی، کار نگارش *مطلع السعدین* را در سال ۱۱۶۸ ق آغاز کرد و در یک مقدمه، دو باب و یک خاتمه به انجام رساند.

- **مصطلحات الشعرا:** مجموعه‌ای از محاورات جدید و مصطلحات برگزیده است. سیالکوتی در این اثر، تنها به جمع‌آوری محاورات و مصطلحات اکتفا نکرده، بلکه هر واژه و محاوره را مورد توجه قرار داده و هر قسمت آن را با دقت و مانند یک ایرانی‌الاصل بررسی کرده است. بزرگ‌ترین ویژگی وارسته همین است که حامی تحقیق و طرفدار انتقاد است. نگارش این کتاب پس از ۱۵ سال تحقیق، در سال ۱۱۸۰ ق، یعنی سال درگذشت سیالکوتی، به پایان رسید. تاریخ مذکور از نام کتاب نیز برمی‌آید؛ اگر عبارت *مصطلحات الشعرا* را با حساب جمل بسنجیم، ماده تاریخ سال آغاز تألیف این کتاب به دست خواهد آمد (انوشه، ۱۳۸۰: ۲۶۳۵). این فرهنگ در سال ۱۳۰۵ ق به صورت چاپ سنگی در هند و در سال ۱۳۸۰ ش به تصحیح سیروس شمیسا در ایران منتشر شد.

- **صفات کائنات یا عجایب و غرایب:** گزیده‌ای است از نمونه‌های نشر انشاپردازان فارسی شبه قاره در قرن یازدهم و دوازدهم هجری، در توصیف مظاهر مختلف طبیعت، انواع آلات و اسباب معیشت، اقسام علوم، حرفه‌ها، صنایع، حیوانات، گیاهان و... برای مثال، وارسته در صفت روز «جمعه» نوشته است: «جمعه، پادشاهی است نامور که در مساجد، خطبه به نامش می‌خوانند و در مدارس، خط آزادی به فرمانش می‌نگارند. نی نی، ریاضت کیشی است که مدام آیه سجده می‌خواند و سوره توبه بر زبان می‌راند. آدینه‌بازاری است که یک بندر متاع سعادت در راسته‌اش مهیاست...» (وارسته، ۱۲۹۵: ۱۳).

- **انتخاب منشآت:** «این کتاب را دکتر محمد بشیر حسین در فهرست مخطوطات شیرازی (چاپ ۱۹۲۹م، ص ۲۸۷) به نام «نامه نگارین» و «صحیفه رنگین» خوانده است؛ ولی... نام این کتاب، *انتخاب منشآت* باید بشود؛ چون اصطلاح نامه نگارین برای توصیف کتاب آورده است، نمی‌توان این را نام کتاب تصور کرد» (انجم طاهره، ۲۰۱۳: ۶۳).

- **بیاض وارسته:** وارسته در این اثر، اشعاری از ۷۲۰ شاعر متقدم، متأخر و معاصر خویش را به ترتیب الفبایی آورده و در مواردی اندک، توضیحاتی درباره برخی شاعران ارائه کرده است. «سال تکمیل تألیف *بیاض وارسته* بین سال‌های ۱۱۷۹ ق (۱۷۲۵م) و ۱۱۸۱ ق (۱۷۲۷م) می‌باشد و حتماً آخرین تألیف وارسته است» (همان: ۶۶).

- **جواب شافی یا رجم الشیاطین:** رساله‌ای در حوزه نقد ادبی است که در دفاع از حزین لاهیجی و جواب تنبیه *العافلین* خان آرزو نوشته شده است. احتمال می‌رود رجم *الشیاطین* و *جواب شافی*، دو نام یک کتاب باشند (سیدعبدالله، ۱۳۷۱: ۱۳۳؛ وارسته، ۱۳۸۳: ۹). *جواب شافی* در سال ۱۳۸۳ ش به تصحیح سیروس شمیسا در ایران منتشر شد.

- **تذکره الشعرا:** تنها منبعی که به این اثر سیالکوتی اشاره کرده، *تذکره گل رعنا* است: «تذکره الشعرا بی نوشت و بر اکثر آن ایراد گرفت. گویا اعتراض نامه‌ای است؛ اما این تذکره به نظر فقیر نرسیده، از زبان شاه عبدالحکیم، حقیقت آن استماع یافت» (اورنگ آبادی، ۱۱۸۲: ۱۷۱).

- **دیوان اشعار:** در *تذکره گل رعنا* به دیوان اشعار وارسته نیز اشاره شده است: «صاحب دیوان است؛ اما اشعار او به مؤلف نرسیده» (همان: ۱۷۱). در *سفینه هندی* آمده است که وارسته «شعر هم خوب می‌گفت» (بهگوان داس، ۱۹۵۸: ۲۳۶). چند بیت از اشعار وارسته به نقل از مطلع السعدین و تذکره‌ها ذکر می‌شود:

«نیست در دهر، زبان‌بازی اگر مایه درد

از چه رو جامه تلخ است به سر سوسن را؟»

(اورنگ آبادی،

۱۱۸۲: ۱۷۱)

«دل ز زلفش مشک چین دارد هوس این پریشان بند بر مو بسته است»

(بهوپالی، ۱۲۹۵: ۵۸۰)

«سرو در رقص است و قمری مست و دست افشان چنار

وقت بشکن بشکن توبه است ساقی می بیار»

(همان)

۳. معرفی مطلع السعدین

مطلع السعدین، کتابی است در بیان ماهیت نظم و نثر و برخی از قواعد مربوط به آن‌ها و شرح اموری که دانستن آن برای منشی و شاعر لازم است. نگارش این کتاب توسط وارسته در سال ۱۱۶۸ ق آغاز شد که شامل یک مقدمه، دو باب و یک خاتمه است. مؤلف در مقدمه این اثر، به بیان معنی فارس و فارسی، تمجید زبان فارسی و رجحان آن بر زبان‌های دیگر پرداخته است. وی در باب اول، مباحث مربوط به شعر را در هفت فصل، شامل معنی شعر، اقسام کلام منظوم، مصطلحات شعرا، محسنات کلام، صنایع، تصرفات شعرا و معایب شعر و در باب دوم، مباحث نثر و انشا را در پنج فصل، شامل ماهیت انشا و منشی، رجحان انشا و منشی بر شعر و شاعر، بیان اقسام انشا و قواعد و قوانین انشا آورده و در خاتمه، به بیان ضوابط و رسم الخط فارسی پرداخته است. وارسته در مطلع السعدین غالباً ابیات متأخرین را به عنوان شاهد مثال آورده است؛ ابیاتی از صائب تبریزی، عرفی شیرازی، ظهوری ترشیزی، طالب آملی، قدسی مشهدی، زلالی خوانساری، شفایی اصفهانی، حیاتی گیلانی، واله هروری، علی نقی کمره‌ای، سعید اشرف، کلیم کاشانی، سلیم تهرانی، بیدل دهلوی، طغرای مشهدی، محسن تأثیر و... که همگی از شاعران صاحب‌نام سبک هندی به شمار می‌آیند و بیشترین مثال‌های مطلع السعدین را به خود اختصاص داده‌اند.

بیتی از صائب، در صنعت تعجب:

«یارب چه گل شکفت که امروز در چمن گل‌ها به جای چشم، دهن باز کرده‌اند»

(وارسته، ۱۲۷۱: ۲۷)

بیتی از علی نقی کمره‌ای در صنعت سؤال و جواب:

«گفتمش درمان من کن، گفت خواهد شد به صبر

گفتمش گر من بمیرم، گفت این هم می شود»

(همان: ۳۱)

البته از شاعران متقدم همچون خاقانی، نظامی، سعدی، عماد فقیه، سلمان ساوجی و حافظ نیز ابیاتی آمده است. از متقدمینی که در مطلع السعدین به آن‌ها توجه ویژه و به اشعارشان استناد شده، یکی، امیر خسرو دهلوی و دیگری، خلاق المعانی، کمال اسماعیل است.

وارسته بیت زیر را از امیر خسرو و دهلوی در موضوع حيفا (کلامی با یک کلمه منقوط و یک کلمه غیر منقوط) آورده است:

«یقین که پختن سودای زشت مردم تفت هوای نغز، دل نغز را شب آرد شب»

(همان: ۳۸)

و بیت زیر را در موضوع حسن تعلیل، از کمال اسماعیل به عنوان شاهد مثال ذکر کرده است:

«آن نه خال است عکس دیده ما بر رخ نازکت نشان کرده است»

(همان: ۲۸)

مطلع السعدین، از وجوه مختلف، حائز اهمیت است و می‌توان آن را اثری بدیع به حساب آورد. مهم‌ترین ویژگی‌های مطلع السعدین عبارت است از:

۱. دقت و هوشیاری فراوان در کاویدن موضوع: برای مثال، در موضوع

ذوالمعین، به تفصیل سخن رانده و با مثال‌های متعدد در این باره، بسیار مذاقه کرده است:

«ذوالمعین... آوردن لفظ مشترک المعین است در کلام، آن هر دو معنی حقیقی بود یا یکی حقیقی و دوم مجازی و مراد متکلم، هر دو معنی باشد. فاضل فراهانی در شرح انوری نوشته قاعده آن است که در عبارت محتمل المعین و لفظ مشترک میان دو معنی کلام المعین اراده نمایند و مراد از اراده، کلام المعین است که هر دو معنی

مخطور خاطر و منظور باشد. مثال هر دو معنی حقیقی از الفاظ تازی، سیدعلی مهری
مشهدی گوید:

آن خال عنبرین که نگارم به رو زده دل می برد از آنکه به وجه نکو زده
از لفظ وجه، هر دو معنی، مراد شاعر است. مثال دو معنی حقیقی از لفظ پارسی،
قزلباش خان امید:

ای گل ازین زیاده سخن نشنوی چرا یک حرف هم بیا ز هزاران شنیده رو
...ذوالمعین دو قسم دیگر هم دارد و آن را ذوالمعین غامض گویند. یکی از آن،
آوردن لفظی است که در تازی به معنی دیگر باشد و در فارسی به معنی دیگر. مثالش
شاعر گوید:

بر سر آب بوده ایم که شاه ناگهانی رسید بر سر ما
ماء در تازی، آب است و در فارسی، ضمیر متکلم مع الغیر یا لفظی که در تازی
به معنی دیگر و در هندی به معنی دیگر باشد؛ مثال، خان آرزو گوید:

زن بقال هندی دوش دیدم که حسنش داشت شور ذوفنونی
به ما مشت نمک بنمود یعنی لئن لم تعلموا اسمی سلونی
مراد، سلونی است.

دوم، لفظی که در فارسی، معنی دیگر و در هندی، مفهوم دیگر دارد؛ مثال از
نعمت خان عالی:

حرف بجا ز کس نشنیدم ز اهل هند غیر از کسی که گفت به مطرب بجا بجا
بجا در فارسی، مترادف به موقع و در هندی، صیغه امر از نواختن... قسمی دیگر هم
به نظر آمده که لفظ ذوالمعین در کلام آرند به تناسب لفظی و مراد، معنی قریب بود و
معنی دوم، نه و آن را ایهام نتوان گفت؛ چه در ایهام، معنی بعید مقصود باشد و فیما
نحن فیه، معنی قریب منظور است؛ مثال، طغرا گوید:

نقش بد بین کان دغاورزیده را در نرد عشق چون حریفان داو گفتم بر سر دشنام شد

معرفی و تحلیل نسخه خطی مطلع السعیدین، اثر بلاغی مل سیالکوتی وارسته... ————— ۱۵۷

داو دو معنی دارد؛ یکی، دشنام که بعید است؛ دوم، نقش نرد که قریب است و مقصود شاعر» (همان: ۲۱-۲۳).

۲. بهره جستن سیالکوتی از اشعار شاعران هم‌عصر خویش: در این اثر،

نمونه‌های اشعار شاعران هم‌دوره با وارسته، به‌وفور دیده می‌شود. برای نمونه، ابیاتی نقل می‌شود:

در باب صنعت مشاکله، از حکیم شفائی:

«بس که هر ساعت دلم را نیش مژگان می‌گزد

بخیه بر بالین زخم لب به دندان می‌گزد»

(همان: ۳۲)

در باب صنعت ترصیع مع التجنیس، از سعید اشرف:

«عالم از من شد تو تا از من شدی عالم از من شد تو تا از من شدی»

(همان: ۳۵)

در باب صنعت ردّ العجز علی الصدر، از خان آرزو:

«به پیری آن که اول از برم رفت جوانی بود نام او جوانی»

(همان: ۴۶)

در باب تصرفات شعرا در معنی کلمات، از محسن تأثیر:

«چو گویمش که بگیرم دل از تو، گوید خیر

خداش خیر دهد آن که خیر می‌گوید»

(همان: ۴۸)

۳. مثال‌های غیر تکراری و منحصر به فرد: برای نمونه، درباره بحث عدم

تطابق ضمیر و مرجع، مثال‌هایی نو می‌آورد و خود نیز در پایان بر این موضوع تأکید می‌کند:

«میرمعزی: نه بی ثنای تو طاعت همی‌کند عابد نه بی دعای تو دعوت همی‌کند ابدال

نظر به ابدال که صیغه جمع است و ضمیر همی کند مفرد، عدم تطابق ضمیر و مرجع فهمیده‌اند. این هم تسامح است؛ چه با وصف آنکه در بیت مذکور همی کند ضمیر جمع موزون می‌تواند شد. لفظ ابدال نزد فارسیان در حکم مفرد است و مستشهدات آن در مبحث جمع عربی را مفرد اعتبار کردن، گذشت.

خواجه شیراز فرماید:

الا ای همنشین دل که یارانت برفت از یاد مرا روزی مباد آن دم که بی یاد تو بنشینم
کمال اسمعیل:

تو بر براق دولت و من خرسوار عجز دشوار من به گرد رکاب شما رسم
وله:

وجوه کسب خود از شعر و شاعری نکنم چو من اگر چه کم افتند ناظم اشعار
طالب کلیم:

کوتاه می‌شود همه شمعی ز سوختن شمعی که سرکشد به فلک دود آه ماست
مخلص کاشی:

بود نشان خدنگ دو جور کیش دلم که چون کمان و نشان پیش یکدگر بند است
کمال اسمعیل:

هرچه آن ز کاروان حوادث رسیدنی ست دم دم همی‌رسند و وصال نمی‌رسد
دیگر امثله در مصنفات بلاغت آیات اکابر زمان، بسیار است؛ احترازاً عن التّطویل
به همین قدر اختصار رفت و التّصفّح علی طالب التّفصیل» (همان: ۷۳).

۴. دقت بلاغی: سیالکوتی در این اثر، به بیان دقیق نکات مربوط پرداخته است. دقت و ریزینی وی در نگارش این اثر، قابل توجه و حائز اهمیت است. به‌عنوان مثال، درخصوص نظر بلاغیون در باب ناخوشایندی تتابع اضافات می‌گوید: «... اگرچه در رسایل صنایع، این را از عیوب گفته‌اند، لیکن حق تحقیق اینکه استهجان تتابع اضافات در تازی است، در فارسی نیست؛ چه در نظم و نثر اکابر زبان‌دانان فارسی، تتابع اضافات بسیار است و بر متّبع پوشیده نیست؛ مثالش، سعید اشرف:

شور خیال صرصر قهرت کلافه کرد
دستار را به فرق جهان پهلوان برف»
(همان: ۸۴).

۵. ارائه نظر، نگاه انتقادی و عدم تقلید کورکورانه از پیشینیان: وارسته

در جای جای این اثر، به کتاب‌های بلاغی پیش از خود ارجاع داده و به‌عنوان موافق یا مخالف، نظراتی درباره آن‌ها ارائه کرده است؛ به‌عنوان مثال، وقتی از تغییرات واژه‌های پهلوی و دری در زبان فارسی سخن می‌گوید، نظر عبدالواسع درباره واژه اعجوبه را این‌گونه مورد نقد قرار می‌دهد: «به قول متأخرین، در الفاظ فارسی اگر نقصانی واقع نشده، مثلاً اشکم و اسپید و اسپر، دری است و الا پهلوی. عبدالواسع صاحب دستورالعمل، همزه اعجوبه را از قبیل همزه اشکم و استم و اشتر پنداشته و تسامح ورزیده؛ چه اعجوبه، لفظ عربی است و همزات مذکور، خاصه الفاظ فارسی است. پس اعجوبه را از این قبیل شمردن، اعجوبه بر روی کار آوردن است» (همان: ۳).

در جایی دیگر، بر نظام‌الدین احمد ایراد می‌گیرد: «صاحب مجمع الصنائع، مشاکلت را به خلاف جمهور، در صنایع لفظی آورده و این از عدم مبالات است به تحقیق» (همان: ۳۲). همچنین وارسته درباره نگارش واژه «صد» می‌نویسد: «اینکه صد به معنی عدد معین به صاد می‌نویسند، بعضی گویند از جهت رفع التباس است به سد، به معنی دیوار؛ لیکن صد بدون تمیز، مثلاً صد دینار یا صد جامه یا صد اسب در کلام واقع شود. پس این تمیز ما به الامتیاز بینهما فلا محاله جواب مذکور اسکات سائل نمی‌کند؛ مگر اینکه گوئیم این لفظ شاذ است یا از جمله نوادر مذکوره است» (همان: ۹۲).

۶. رعایت اخلاق علمی: سیالکوتی هرگاه در رساله خود، نظر دیگران را بیان

کرده، به منبع اصلی ارجاع داده و اخلاق علمی را رعایت کرده است؛ برای مثال در ذکر مطابق و قسم لوازم می‌گوید: «صاحب جامع الصنائع نوشته که بنابر ترک مطابق، وقتی بر این شعر شیخ شیراز ایراد گرفته‌اند:

به زیورها بیاریند وقتی خوب رویان را

تو سیمین تن چنان خوبی که زیورها بیارایی
«وقتی» در این شعر، سهو ناسخ است که منشأ ایراد شده، در اصل نسخه به جای
وقتی، مردم است» (همان: ۲۰-۲۱). در جایی دیگر می گوید: «لهذا مجدالدین علی
قوسی شوشتری در کتاب لغت مصنفه خود که مسوده آن به خط خودش به نظر این
بی سواد رسیده، پهلوی را از عالم زبانی که در اردوی معلی پادشاهی بدان متکلم باشند
نوشته، بل گروهی بر این رفته که پهلوی و دری یکی است؛ چه دری زبان مردم در گاه
ملوک است و پهلوی، زبان اردو، فلامحاله مآل واحد است» (همان: ۳). وی غالباً به نام
شاعران یا نویسندگانی که ابیات و مطالبی از آنان آورده، اشاره می کند و آنجا که نام
شاعر را نمی داند، عبارت «شاعری گوید» را می آورد؛ مثلاً در شاهد مثال صنعت
ادماج، چون شاعر را نمی شناسد، این گونه آورده است: «شاعری گوید:
بس که سر بردارم و مانم به بالین تا سحر در شب هجر تو گویا از اجل دارم حذر»
(همان: ۲۷).

۷. پرداختن به استثنائات: سیالکوتی در صورت نیاز، در توضیح مباحث،
استثنائاتی را نیز ذکر کرده است که نشان از پرخوانی و احاطه اش بر شعر سبک هندی
دارد. برای مثال در توضیح ادماج می گوید: «لاحق است به استتباع، تفاوت آنکه،
استتباع نیست الا در مدح و ادماج در غیر مدح هم یافته می شود» (همان: ۲۷).
در جای دیگر می گوید:

«به سنگی در حرم شد جلوه گر بتخانه پیدا شد

ز سنگ بت شراری جست آتشخانه پیدا شد
گویم لفظ بتخانه و آتشخانه بنا بر وحدت لفظی، منشأ اعتراض شد؛ ولیکن شعرا
چنین الفاظ را نظر به تغایر ترکیب مغایر دانسته، در ذیل قوافی آورده اند؛ چنان که
صائب می گوید:

مأوای تو جز کعبه و بتخانه کدام است ای خانه برانداز تو را خانه کدام است»
(همان: ۸۵).

۸. استفاده از آیات و احادیث: سیالکوتی با اینکه هندو مذهب بوده، در خلال مباحث خود مثال‌هایی از آیات قرآن کریم ذکر کرده یا در موضوعاتی به احادیث اهل بیت علیهم السلام ارجاع داده است که این امر می‌تواند بیانگر آشنایی او با زبان عربی، قرآن و حدیث باشد. چند نمونه از اشارات سیالکوتی به قرآن و حدیث ذکر می‌شود:

«مذهب کلامی، آوردن دلیلی است جهت اثبات مقصود بر طریق متکلمین؛ کما قال عزّ و جلّ: لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا» (همان: ۲۷).
«قسم اول، جمع است و آن ایراد چند چیز است در تحت یک حکم؛ کقولہ تعالی: الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (همان: ۲۸).

۴. ویژگی‌های سبکی مطلع السعدین

«آثار ترسل صفوی، اکثر قریب به اتفاق، در عداد نثرهای منشیانه قرار می‌گیرند. غالب منشیان، گرفتار تصنّعات لفظی و معنوی بسیار و عبارت‌پردازی‌های متکلفانه شده‌اند. علاوه بر این موضوع، اطناب مملّ نیز خصیصه اصلی آثار انشای این عهد است (جهادی، ۱۳۹۷: ۶۱-۶۲). نثر مطلع السعدین نیز نمودار نثر منشیانه رایج در عصر صفوی و سبک هندی است که در ادامه، به مواردی از آن اشاره می‌شود:

۴-۱. ویژگی‌های زبانی

۴-۱-۱. استفاده از واژه‌های عربی

کلمات و ترکیبات عربی در مطلع السعدین، بسامد بالایی دارد. البته وجود این ترکیبات، یکی از ویژگی‌های سبک دوره صفویه بوده، ویژگی خاص مطلع السعدین به شمار نمی‌آید. «در این زمان... زبان فارسی به سبب طول زمان و عدم تدریس و تبع و از یاد رفتن لغات دری، محتاج به تحصیل بود؛ ولی تحصیل نمی‌شد و کتاب هم کم

بود و غالباً یا فقط عربی می‌خواندند و در ادبیات عرب مختصر تدریجی حاصل کرده، به منشی‌گری می‌پرداختند» (شمیسا، ۱۳۸۷: ۲۱۵). سطرهای زیر از این اثر، افراط در بهره‌گیری از واژه‌های عربی را به روشنی نشان می‌دهد:

«ملوک عالی تبار و امرای والا اقتدار جهت تحریر امثله و مناشیر و احکام و اوامر که نظم و نسق حدود و اقطار و رتق و فتق بلاد و امصار باز بسته به وصول و ایصال آن است و علم و اطلاع خصوصیات و ادراک قضایا و واقعات اقالیم از مسافتات بعیده، بی وساطت احکام منشیان نیک‌سرانجام، متعذر و متعسر، احتیاج کلی دارند به وجود مسعود چنین شخص کامل الاستعداد...» (وارسته، ۱۲۷۱: ۸۹-۹۰).

تعدادی از کلمات و ترکیبات عربی در این کتاب، عبارت‌اند از:

مصدرهای عربی: اختفا، استفاضه، التجا، استحسان، تخالف، تطویل، سلاست، انعدام، اعاده، تعمیمه، استکراه، توسیع، تسطیر، انتظام، انتساق، استعلام.

اسم فاعل و مفعول: معهود، مسلوک، مسطور، مستعمل، موقوف، منشعب، مزبور، منقسم، مدقق، سامع، متلمذ، ملفوظ، معاضد، متبوع.

ترکیبات عربی: قس علی هذا، احترازاً عن الاطناب، مشاراً الیه، بالجمله، فلا محاله، لهذا، مع هذا، لفظاً و معناً، نظماً و نثراً، غیر هم، ما قبل، فی الاصطلاح، بنفسه، اجتناباً عن طول المقال، ذوی العقول، مثلها.

اسامی جمع مکسر: سگان، بوارق، مبادی، سکنه، قرا، ازمنه، اقطار، اطوار، براهین، سفائن، تصاریف، محامد، نعوت، اهاجی، السنه، اساتذه، قوافل، مناشیر، تراکیب، افاحم، خفایا، اعازم.

۴-۱-۲. مطابقت صفت و موصوف در جنس

وارسته در اغلب موارد، در ترکیب‌های وصفی، برای موصوف مؤنث، صفت مؤنث به کار برده است؛ مانند: اقوال مختلفه، همزات مذکوره، القاب مصطلحه، جهات مسطوره، بحور سبعة مذکوره، صنایع بدیعه، اسامی موصوفه، الفاظ قدیمه، مصادر فارسیه، اغراض ذاتیه، مضمرات معهوده، ادله وافیه.

۴-۱-۳. ترکیب‌سازی

در این اثر، گاه ترکیب‌های بدیع و زیبایی نیز به چشم می‌خورد که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

حرف سرایی، معنی‌یابی، تازه‌گویی، آتشین‌زبان، پری‌زادان معنی، شعرافان نازک خیال، صافی‌چهرگان آینه‌مثال، نظر باریک‌نگر.

۴-۱-۴. استفاده از مترادفات

از ویژگی‌های سبک فنی، آوردن کلمات مترادف در کنار هم است که در مطلع السعدین نیز به فراوانی، این ویژگی مشاهده می‌شود، از جمله: اختلاط و آمیزش، طرز و طور، تداول و تعارف، افضل و اشرف، راجح و فائق، فوقیت و مزیت، استفاده و استفاضه، افاده و افاضه، و استعداد، احکام و اوامر، تلف و زوال، اطلاع و اعلام، کتمان و استار.

۴-۱-۵. واژه‌ها و ترکیبات کهن یا خاص

برخی از این واژه‌ها و ترکیبات عبارت‌اند از: درست ده دهی (زر خالص)، زر شهر و (سکه تقلبی)، انداز (میل و آهنگ)، جاگیر (اقطاع)، تنخواه کردن (واگذار کردن)، دو بالا (دو برابر)، تقطیع زدن (آرایش)، خوشاب، جوق (گروه)، گزین کردن، و ابوسیده (روگردان شده)، واسوخته، اعتیاد (عادت)، چار بالش (مسندی را گویند که پادشاهان و بزرگان بر آن نشینند)، مربع نشستن (چهارزانو نشستن)، دو چار خوردن (روبه‌رو شدن)، دندان نگذاشتن (بی‌توجه بودن)، نزاکت (نازکی).

۴-۱-۶. استفاده از فعل نمودن به جای کردن

«اکثر مثنویات مولانا منیر مطالعه نموده» (همان: ۸)؛ «رجحان فارسی بر لغات دیگر ثابت نموده و نوشته» (همان: ۵)؛ «شاعر به همان یک بیت اکتفا نموده» (همان: ۱۰).

۴-۱-۷. استفاده از فعل گردیدن به جای شدن

«ثانی مقدم شده و مقدم ثانی گردیده» (همان: ۱۵)؛ «پیمانۀ عشرت تهی گردیده» (همان)؛ «در فارسی به چیستان موسوم گشته» (همان: ۱۳).

۴-۱-۸. استفاده از وجه وصفی

وارسته در این اثر، از وجه وصفی، بسیار استفاده کرده است.

«صاحب مجمع الصنایع این قسم را از مسمط نیاورده و قسمی علی حده اعتبار کرده، مسجع نام گذاشته» (همان)؛ «به اقتدای این جماعت، قدم در راه گذاشته، طرز تازه ایجاد کردند» (همان: ۴).

۴-۱-۹. تخفیف در فعل آوردن

در بیشتر موارد به جای «می آورد» یا «می آوردند»، «می آرد» و «می آرند» به کار برده است.

«...امور اربعة مذکوره را در غزل و قصیده و غیرهما می آرند» (همان: ۱۳).

۴-۲. ویژگی های ادبی

۴-۲-۱. صنایع بدیع لفظی

۴-۲-۱-۱. سجع

گاه وارسته با استفاده از سجع، به زیبایی و آهنگین شدن نثر خویش افزوده است. «به مرور ادوار و کرور اعصار...» (همان: ۲)؛ «از ملت فصاحت و مشرب بلاغت...» (همان: ۴)؛ «تقلب ایام و تحول ادوار...» (همان)؛ «قصدهای والا و اندازهای دست بالا...» (همان: ۷)؛ «همان طریقه مسلوک است و همان باب مفتوح» (همان: ۴)؛ «در تتبع دواوین فصحا و منثورات بلغا به سر بردم» (همان: ۲).

۴-۲-۱-۲. واج آرای

تکرار «س»: «رودکی در ایام دولت آل ساسان، سامان سخن سنجی به کف آورده» (همان: ۶).

تکرار «ت»: «تداول و تعارف هر عصر و هر دیار اعتبار تمام دارد» (همان: ۴).

تکرار «ک»: «نساجان کارگاه سخن در کلام منظوم موشکافی ها کرده اند و معانی از مو باریک تر در آن به کار برده» (همان: ۵).

۴-۲-۲. صنایع بدیع معنوی

۴-۲-۲-۱. مراعات نظیر

«آن مربع نشین چاربالش تازه گویی در جواب خمسه، پنجه در پنجه نظامی زد» (همان: ۴)؛ «مصنفات آب دار شعرای آتش زبان فارسی قاطباً در آب و آتش افتاد. اسامی و القاب مصطلحه آن جماعت جملگی چون خاکستر به باد فنا رفت» (همان).

۴-۲-۲-۲. مبالغه

«کاخ سخن را بنای تازه گذاشتند و به رنگی شکرریز کردند که طوطی شکرشکن از رشک زهر خورد و از خجالت سرخ و سبز بر آمد» (همان).

۴-۲-۲-۳. تلمیح

«ضمیر منیر مهرنظیر منصفان حق پسند حق پذیر کالنار علی الطور در کمال ضیا» (همان: ۸۹)؛ «جمهور عوام کالانعام، از نقصان استعداد، این را ضرورت شعر نامیده اند» (همان: ۴۷).

۴-۲-۳-۳. بیان

۴-۲-۳-۱. تشبیه

تشبیه از پرکاربردترین آرایه‌های ادبی در این کتاب است. در اغلب این تشبیهات، طرفین تشبیه از نوع محسوس است. چند نمونه از تشبیهات زیبای این کتاب:

«شراب گفت و گو را دو آتش ساخته» (همان: ۳)؛ «در بعض اشعار اینان، جمال معنی جز در آینه خیال نتوان دید» (همان: ۴)؛ «در زبان عنصری و فردوسی، مائده سخن، نمک دیگر داشته و از عهد حکیم سنائی، این زلال صافی بر آب دیگر موجزن گشته» (همان: ۳)؛ «اگر شاهد عبارت از لباس صنایع و بدایع لفظی و معنوی، عریان است» (همان: ۹۱).

۴-۲-۳-۲. کنایه

«اسامی و القاب مصطلحه آن جماعت جملگی چون خاکستر به باد فنا رفت» (همان: ۴)؛ «به باد فنا رفتن، کنایه از نابود شدن و از بین رفتن.

«به سبب سر در نقاب خفا کشیدن فارسی‌زبانان، شعر فارسی چون عنقا از عالم برافتاد» (همان: ۴)؛ «سر در نقاب خفا کشیدن، کنایه از پنهان شدن و سکوت.

«منشی حقیقی، همسایه دیوار به دیوار کیمیا و هم آشیان عنقااست» (همان: ۸۹)؛
همسایه کیمیا و هم آشیان عنقا بودن، کنایه از نایاب بودن.
«در استحکام کمالات فنون و فنون کمالات، عرق سعی ریخته» (همان)؛ عرق سعی
ریختن، کنایه از تلاش بسیار.

۳-۴. ویژگی های فکری

وارسته، کتاب را با یاد خدا و مقدمه ای در مدح و سپاس حضرت حق آغاز کرده
است:

«سجده نیاز، خدایی را سزاوار است که کاخ سر به فلک کشیده سخن را به نقش و
نگار استعارات و تشبیهات پرداخته، خلوتخانه پری زادان معنی ساخته. نام خدا سخن،
جان جهان است، بل جهان جان» (همان: ۲).

در پایان مقدمه نیز چنین از حضرت حق تعالی مدد می جوید: «از جناب فیاض
مطلق، التجای آن دارم که این امنیت بر وجه دلخواه صورت حصول پذیرد و در
پیشگاه قبول مستعدان صاحب کمال، رتبه استحسان گیرد. بالله التوفیق والتوفیق شیء
عزیز لایعطی الا بعد عزیز» (همان).

گاه وارسته در لابه لای مطالب، به ضرورت و تناسب، به آیه ای از قرآن اشاره
می کند؛ برای نمونه «هباء منشوراً» (همان: ۴).

اشاره به احادیث درباره موضوعات مورد بحث، از دیگر نکات قابل توجه در این
کتاب است. برای نمونه حدیثی از امام حسن (ع) را نقل می کند: «بر تصدیق این قول،
قول حضرت امام حسن (ع) نقل می کنند و هو هذا قال: قال ابی علیه السلام بالكوفه فی
الجامع اذ قام رجل من اهل البيت فقال یا امیر المؤمنین انی اسألك عن اول من قال
الشعر. فقال آدم علیه السلام...» (همان: ۵). همچنین احادیثی از پیامبر اکرم (ص) ذکر
می کند؛ همچون: «تکلموا الناس علی قدر عقولهم» (همان: ۹۰-۹۱) و «خیر الکلام ما
قل و دل» (همان: ۹۱).

وی در این اثر، در اشعاری که به عنوان شاهد آورده، ابیاتی در وصف امیرالمؤمنین یا مدح حضرت حق، نقل می‌کند؛ برای مثال در باب مسمط، بیتی از کلام مختاری آورده است:

«ای به هنگام شجاعت چون علی مرتضی

صد چو رستم پیش فوجت زال در روز وغا»

(همان: ۱۲)

یا در موضوع حشو ملیح، بیت زیر را نقل می‌کند:

«تیغت که باد سینۀ خصمت نیام او در دست تو چو با اسدالله ذوالفقار»

(همان: ۸۰)

در موضوع معما، یکی از مثال‌ها را چنین بیان می‌کند: «شاعری این معما به نام حضرت علی مرتضی که ایما به حرکات حروف دارد بسیار بدیع و غریب گفته:

چشم بگشا زلف بشکن جان من بهر تسکین دل بریان من

(همان: ۱۵)

«المننه لله تعالی و تقدس
آن صانع بی‌عیب که پاک است و مقدس
در بارگهش عرش یکی خیمه اطلس
بر قدرت حمدی که به کنهش نرسد کس
از دنیوی و عقبی همه را رحمت او بس
خرگاه سرپرده او چرخ مقرنس»

(همان: ۱۲)

وارسته، علی‌رغم اینکه هندو بوده، نه تنها درباره آیین خود تعصبی ندارد، بلکه در خصوص ادیان دیگر دارای وسعت دید و توسع نظر است. آنجا که می‌خواهد درباره «مدح» در ادب فارسی سخن بگوید، می‌نویسد: «اول، حمد است که آن محامد ذات کبریاست جلّ جلاله؛ دوم، نعت که آن اثنیّه ذات محمدی است. آنچه به تتبع و تصفح معلوم شد، نعت خاص است اصطلاحاً به جناب مقدس نبوی...؛ سوم، منقبت که آن تمذیح آل اطهار است و خلفای کبار» (همان: ۱۸).

۵. معرفی نسخه‌ها

۱-۵. نسخه خطی آستان قدس رضوی: این نسخه به شماره ثبت ۳۵۲۴۷ در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود.

آغاز: سجده نیاز خدایی را سزاوار است که...

انجام: خلاف آیین املاست فقط.

تعداد صفحات: ۹۴ برگ

تعداد سطر: ۱۹

نوع خط: نستعلیق

تاریخ کتابت: ۲۴ رجب ۱۲۷۱ ق

کاتب: حیارام کاتب دهلوی

در این مقاله، از این نسخه استفاده شده است.

۲-۵. چاپ سنگی: این کتاب در سال ۱۲۹۶ ق در کانپور هند به صورت چاپ

سنگی منتشر شده است. نسخه‌ای از آن در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی در قم به شماره شناسایی ۱۵۵/۶/۰۹ موجود است.

آغاز: سجده نیاز خدایی را سزاوار است که...

انجام: خلاف آیین املاست.

تعداد صفحات: ۹۸ صفحه

تعداد سطر: ۲۳

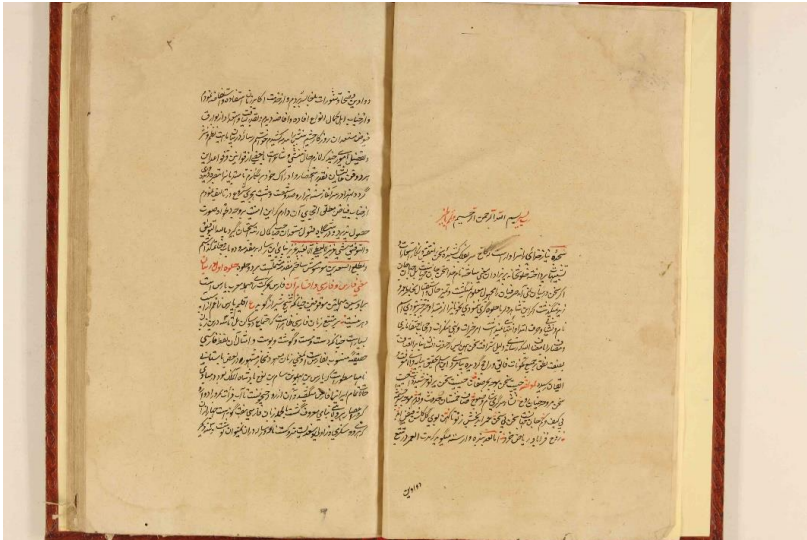
نوع خط: نستعلیق

۶. نتیجه‌گیری

مطلع السعدین، اثری است در حوزه بلاغت، نوشته سیالکوتی مل وارسته، نویسنده، محقق، منتقد و شاعر قرن دوازدهم هجری در شبه قاره. سیالکوتی کار نگارش مطلع

السعدین را در یک مقدمه، دو باب و یک خاتمه به انجام رساند. مطالعه مطلع السعدین نشان می‌دهد وارسته، مخالف پیروی کورکورانه و تقلید بیجا بود. او در هر زمینه، نظر خود را به کار برده، لازم نمی‌داند پیرو روش اسلاف باشد. عدم تقلید، تکرار نکردن مطالب کتاب‌های بلاغی پیشین، نگاه انتقادی مؤلف، استفاده از مثال‌های نو به‌ویژه از شاعران سبک هندی و پرداختن به استثنائات، از ویژگی‌های بارز مطلع السعدین است. توجه وارسته به معاصرانش نشان می‌دهد او قصد داشته رساله‌ای بلاغی مخصوص شعر عصر خویش بنویسد؛ یعنی در نظر او کاربردی بودن رساله‌اش اهمیتی ویژه داشته است. وجود واژه‌ها و ترکیبات عربی، ترکیب‌سازی، استفاده از مترادفات و کاربرد برخی کلمات خاص و کهن، از ویژگی‌های زبانی این اثر است. همچنین در نشر وارسته، صنایع مختلف لفظی و معنوی، دیده می‌شود. استفاده از آیات قرآن کریم و روایات پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع)، از دیگر ویژگی‌های سبکی این اثر به شمار می‌رود. مطالعه این اثر می‌تواند در شناخت متون بلاغت و دستور زبان فارسی راهگشا بوده، دریچه‌ای جدید به دانش بلاغت در شبه قاره بگشاید.

تصویر صفحاتی از نسخه‌ها

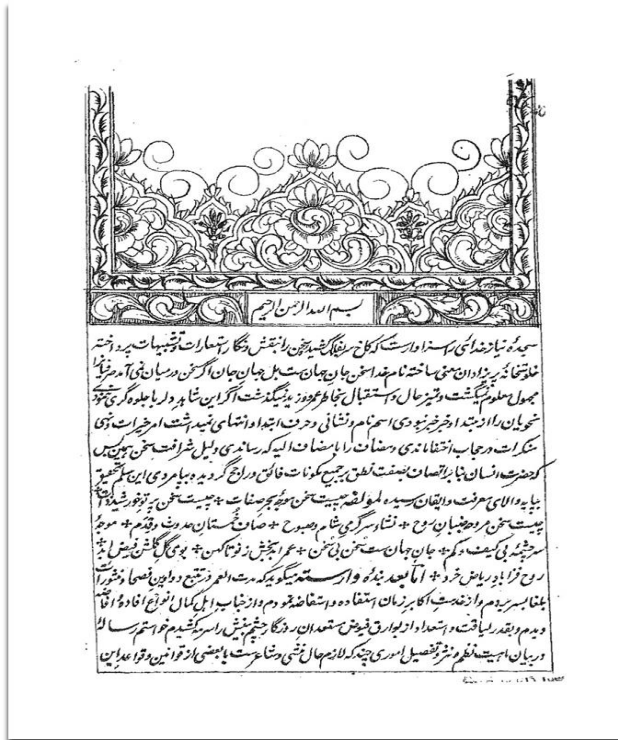


صفحه اول مطلع السعدین، نسخه آستان قدس رضوی



صفحه آخر مطلع السعدین، نسخه آستان قدس رضوی

سال دوازدهم - تابستان ۱۴۰۰ - شماره بیست و چهارم



صفحه اول مطلع السعدین، چاپ سنگی

منابع

- انجم طاهره (۲۰۱۳م)، **بیاض وارسته، نقد و بررسی**، مجله Oriental College Magazine، شماره ۳، صص ۶۱-۷۸.
- انوشه، حسن (۱۳۸۰)، **دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره**، ج ۴، بخش سوم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- اورنگ آبادی، شفیق (۱۳۸۲ق)، **تذکره گل رعنا، حیدرآباد دکن: عهدآفرین**.
- بهگوان داس (۱۹۵۸م)، **سفینه هندی**، تصحیح محمد عطاءالرحمن عطا کاکوی، پتنه: اداره تحقیقات عربی و فارسی.
- بهوپالی، سیدمحمدعلی حسن خان (۱۲۹۵ق)، **تذکره صبح گلشن**، بهوپال: مطبع شاهجهانی.
- جهادی، سیدامیر (۱۳۹۷)، **متن شناسی نسخه خطی آداب انشاء نوربخشی در بلاغت نثر و ترسل عصر صفوی**، دوفصلنامه مطالعات زبانی و بلاغی، سال ۹، شماره ۸۱، صص ۳۹-۶۸.
- جهانبخش، جويا (۱۳۷۸)، **راهنمای تصحیح متون**، تهران: میراث مکتوب.
- حاج سیدجوادی، سیدکمال (۱۳۹۱)، **فرهنگ نامه زبان و ادبیات فارسی در شبه قاره هند**، چ ۲، تهران: خانه کتاب.
- سعیدی عباس و یدالله شکری (۱۳۹۵)، **سراپانامه ای منشور از سیالکوتی**، نامه فرهنگستان (ویژه نامه شبه قاره)، شماره ۶، صص ۱۴۵-۱۷۸.
- سیالکوتی، وارسته مل (۱۲۷۱ق)، **مطلع السعدين**، نسخه خطی شماره ۳۵۲۴۷، مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی.
- _____ (۱۲۹۶ق)، **مطلع السعدين**، کانپور: مطبع نولکشور.
- _____ (۱۲۹۵ق)، **صفات کائنات**، لکنهو: مطبع نولکشور.
- _____ (۱۳۸۰)، **مصطلحات الشعرا**، تصحیح سیروس شمیسا، تهران: فردوس.
- _____ (۱۳۰۵ق)، **مصطلحات الشعرا**، به اهتمام قطب الدین احمد قریشی، لکنهو: مطبع نامی.
- _____ (۱۳۸۳)، **جواب شافی**، تصحیح سیروس شمیسا، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- سید عبدالله (۱۳۷۱)، **ادبیات فارسی در میان هندوان**، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

معرفی و تحلیل نسخه خطی مطلع السعدین، اثر بلاغی مل سیالکونی وارسته... ————— ۱۷۳

- شمیسا، سیروس (۱۳۸۷)، **سیک‌شناسی نثر**، ج ۱۲، تهران: میترا.
- عامر، خان محمد (۱۳۸۳)، **تعامل ادبیات فارسی با فرهنگ هندوان**، کیهان فرهنگی، شماره ۲۱۶، صص ۶۷-۷۱.
- فلاح، غلام‌علی (۱۳۹۴)، **پیشگامان بلاغت فارسی در شبه قاره هندوستان**، مجله مطالعات و تحقیقات ادبی، شماره ۱۸، صص ۱۳۳-۱۴۱.
- مایل هروی، نجیب (۱۳۸۰)، **تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی**، تهران: کتابخانه مجلس.
- محمود، سید فیاض و سید وزیرالحسن عابدی (۱۳۸۰)، **تاریخ ادبیات فارسی در شبه قاره هند**، ترجمه مریم ناطق شریف، تهران، رهنمون.
- مسائلی، عباس (۱۳۹۶)، **شرح و تعلیقات مطلع السعدین**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- نجم الرشید (۱۳۸۲)، **سیر نقد شعر فارسی در شبه قاره**، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۷۷، صص ۴۶-۵۵.
- نوشاهی، عارف (۱۳۹۱)، **کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ‌شده در شبه قاره**، ج ۲، تهران: میراث مکتوب.

